**خارج فقه جلسه 9 - رطوبت اعضاي وضو – 20/07/1401**

موضوع: **(استفاده از رطوبت اعضاي ديگر وضو - اقوال - ادله - بحث ترتيب در گرفتن رطوبت از اعضاي ديگر)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**مسئله بيست و پنجم: استفاده از رطوبت آب اعضاي وضو در وضو، در اينجا فصولي مطرح است:**

**فصل اول: بر متوضي واجب است که از رطوبت وضو براي مسح استفاده کند نه از آب جديد که تحقيق اين فصل در امر سوم گذشت که در آنجا روايات معتبري بود اما برخي از روايات استفاده از آب جديد را براي مسح اجازه می‌دادند که حمل بر تقيه می‌شود.**

**فصل دوم: آيا آن رطوبت وضو همان رطوبتي است که در کف دست است و يا می‌تواند آن رطوبت را از بقيه اعضاي وضو بگيرد؟ دو قول است:**

**قول اول: جماعتي از فقها من‌جمله مرحوم سيد در عروه که فقط بايد از رطوبت موجود در کف دست استفاده شود نه از ساير اعضاء که اين قول در متن عروه به صورت احوط بيان شده است.**

**قول دوم: منظور از نداوة و رطوبت همان اعضاي وضو است ولو اينکه ممزوج شود اشکالي ندارد که اين را سيد به صورت قطعي فتوا داد.**

**سؤال: منشأ اختلاف فقها چيست؟ منشأ روايات مطلق و مقيد است که روايات مقيد انصافاً برخي از آن‌ها ظاهر و برخي نص است در اينکه حق ندارد از آب ديگري استفاده کند.**

**منها: در اخبار بيانيه: ... مسح رأسه و قدميه الي الکعبين بفضل کفيه که نص و تصريح شده که از همان رطوبت استفاده شود.**

**منها: صححيه زراره، ...ومسح مقدم رأسه، وظهر قدميه ببلة يساره، وبقية بلة يمناه. وسائل ج ۱ ص ۲۷۲ که نص است**

**منها: صحيحه زراره ... مسح بما بقي في يده رأسه و رجليه**

**اما آيه شريفه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم﴾ مطلق است که با رطوبت کف دست و يا اعضاي ديگر باشد و روايات مطلق هم داشتيم.**

**سؤال: آيا اين روايات مقيده صلاحيت تقييد اين روايات مطلقه را دارند يا نه؟ صلاحيت ندارند چون:**

**اولاً: اين روايات مقيد صرفاً براي مخالفت با اهل سنت صادر شده که آن‌ها از آب جديد استفاده می‌کنند که امام عمل آن‌ها را رد کرده است چون استفاده از آب جديد مخالف با اطلاق کتاب و سنت و هم اجماع محصل و منقول است.**

**ثانياً: اين روايات ناظر به عمل شيعه است که از رطوبت کف دست استفاده می‌کنند و همه شيعه را با اين عمل می‌شناسند پس امام عليه السلام درصدد بيان جواز يا عدم جواز امتزاج نيستند.**

**ثالثاً: برخي از اين روايات مقيده از عمل امام عليه السلام حکايت می‌کند که امام عليه السلام از همان رطوبت کف دست استفاده می‌کردند و عمل امام دلالت بر وجوب ندارد مگر اينکه قرینه‌ای باشد و چه‌بسا امام اين عمل را مستحب می‌دانند پس امتزاج رطوبت کف دست با بقيه اعضا مشکلي ندارد.**

**فصل سوم: اگر مثلاً بر اثر شدت گرما، رطوبت کف دست خشک شد آيا از بقيه اعضا می‌تواند آب برداشت يا نه؟ هيچ اختلاف بين علما در جواز آن نيست و همه اتفاق دارند حتي علامه طباطبايي می‌فرماید که خشک شدن دست شرط در وجوب گرفتن رطوبت از ساير اعضا است و شاهد، اطلاق آيه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم﴾ و روايات است و در صحيحه حلبي هم اطلاقي وارد شده که اجازه برداشتن از جاي ديگر را می‌دهد مثل کسي که فراموش کرد مسح را بکشد و وارد نماز شد و در نماز يادش آمد امام عليه السلام به صورت کلي فرمودند فتمسح به مقدم راسک.**

**متن روايت: وبإسناده، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال إذا ذكرت وأنت في صلاتك أنك قد تركت شيئا من وضوئك (إلى أن قال): ويكفيك من مسح رأسك أن تأخذ من لحيتك بللها إذا نسيت أن تمسح رأسك فتمسح به مقدم رأسك.[[1]](#footnote-1)**

**اين صحيحه حلبي نسبت به خشک شدن دست مطلق است لذا ظاهر اين صحيحه اين است که از رطوبت ساير اعضاء می‌شود استفاده کرد و داخل شدن در نماز هم خصوصيتي ندارد چون اين قيد غالبي است که مردم بعد از وضو سريع نماز می‌خوانند. اما آنچه اختلاف بين فقها است در مراعات ترتيب است که آيا ترتيب لازم است يا نه؟ احتمالاتي وجود دارد:**

**اول: ترتيب لازم نيست که هرکجای از اعضاي وضو مرطوب بود می‌تواند براي مسح استفاده کند.**

**دوم: از غير محاسن و ابروها و مژه‌های چشم می‌تواند استفاده کند.**

**سوم: فقط از محاسن و ابروها و مژه آن‌هم با ترتيب که اول از محاسن و اگر ر‌طوبت نداشت از ابرو و بعد از مژه استفاده کند که سيد در عروه اين ترتيب را مستحب می‌داند اما خيلي آن را واجب می‌دانند.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۲ باب ۲۱ [↑](#footnote-ref-1)